

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال-افغانستان

۱۱/۰۱/۳۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۰۱)

تلفات در یک هفته :

زمری بشری، سخنگوی وزارت داخله دولت پوشالی، طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلان کرد که در طول هفته گذشته در افغانستان، ۱۹۱ تن به قتل رسیده اند. از جمله ۲۷ فرد ملکی، ۸ پولیس و ۴۵ نفر طالب در درگیری ها به قتل رسید اند. در ضمن بشری اعلان کرد که در این ماه ۳۸ نفر ملکی و ۲۸ نفر پولیس در اثر مین گذاری ها جان های شان را از دست داده اند. این هفته تلفات نسبت به هفته قبل ۳۱ در صد تلفات اضافه را نشان می داد. با این که در این زمستان بیشتر طالبان به خانه های شان رفته اند، اما این گراف تلفات از شدت جنگ در افغانستان خبر می دهد. علاوه به این تلفات نیرو های اردو نیز تلفاتی داشته اند و نیرو های مهاجم نیز با تلفات همراه بوده اند.

کرنیل امام کشته شد:

کرنیل امام که بعد ها به رتبه بریگدیری رسید، یکی از فعالترین نظامی های پاکستان بود که از آغاز جنگ علیه نیرو های شوروی در افغانستان تا سقوط امارت طالبان، نقش مهم و مرکزی در سازماندهی بنیاد گرائی در افغانستان داشت. اما اخیراً روزنامه دان چاپ پاکستان می نویسد که امیر سلطان تارر، مشهور به کرنیل امام به تاریخ ۲۳ جنوری در وزیرستان شمالی اعدام شد. او که به تاریخ شش مارچ ۲۰۱۰ در وزیرستان شمالی با میجر خالد خواجه یکی از فعالان دیگر آی اس آی و اسد قریشی خبرنگار پاکستانی الاصل انگلیسی توسط گروه العالمی به رهبری منصور دستگیر شد، برای هرکسی که شناختی از این کرنیل داشت، تعجب آور بود، زیرا او یکی از طرفداران مهم و پروپاقرص بنیاد گرائی در این منطقه بود و خود را همیشه استاد ملا عمر می نامید. خالد خواجه بعد از اسارت به زودی توسط ربایندگانش تیر باران گردید، اما این ربایندگان از دولت پاکستان خواستند تا زندانیان شان را در بدل رهائی کرنیل امام و مقدار ۸۵ هزار دالر پول نقد رها سازد در غیر آن او نیز تیر باران خواهد شد. در آن زمان کرنیل امام از دولت پاکستان خواست تا به خواست ربایندگانش پاسخ مثبت دهد، ورنه مسایل بسیاری از روابط پاکستان و امریکا را افشاء خواهد کرد. حال که ده ماه از دستگیری و خواست ربایندگان می گذرد، کرنیل

امام اعدام شد و قاتلان او گفته اند که جسدش را نیز به کسی تحویل نخواهند داد. در این میان اسد قریشی و راننده اش با پرداخت پول به گروگانگیرانش آزاد شد و حال در بریتانیا زندگی دارد.

اعدام این کرنیل کارکشته پاکستانی نشان می دهد که شبکه های استخباراتی بعد از ختم کار جاسوسان شان با چه بی اهمیتی به آنان برخورد کرده و این جاسوسان چقدر به انسان های غیرمهم و بی مصرفی مبدل می گردند. ورنه پرداخت ۸۵ هزار دالر در بدل یکی از جاسوسان سرسپرده اش چه مشکلی داشت.

امیر سلطان یا کرنیل امام از جاسوسان مهم آی اس آی بود که چون اختر عبدالرحمن، حمید گل، اسد درانی، بریگیدیر یوسف و سران دیگر آی اس آی در سال های اخیر نقش مهمی در اوضاع افغانستان داشت. او در زمان مجاهدین گاهی کوپته و گاه پشاور بود، ریش درازی مانده، همیشه واسکت و پکول می پوشید و با اینکه پنجابی بود، به زبان های دری و پشتو صحبت می کرد. با اکثر قومندانان و رهبران مجاهدین آشنائی کامل داشت و از این بابت یکی از منابع مهم اطلاعاتی و تحلیلی آی اس آی شناخته می شد و درمیان سران این شبکه از موقف مهمی برخوردار بود.

کرنیل امام رهبری جنگ جلال آباد را به عهده داشت و نسبت به تنظیم های دیگر در روابط نزدیکتری با حزب اسلامی قرار داشت و بی هیچ دیپلماسی به قومندانان دیگر اعلان می کرد که فقط حزب اسلامی شایستگی رهبری افغانستان بعد از خروج روس ها و سقوط دولت نجیب را دارد. کرنیل امام در جنگ جلال آباد شخصاً حضور داشت و مشکل لوژستیکی این جنگ را خود حل می کرد و بر قومندانان حزب اسلامی در این جنگ اتکای مستقیم داشت. برخی ها یکی از علت های شکست جنگ جلال آباد را به این کرنیل نسبت می دهند، چون بسیاری از سرگروپ های مجاهدین که تا آن زمان مداخلات پاکستان را به این عریانی نمی فهمیدند و دستورات کرنیل امام را دیدند، در جریان جنگ از سنگر ها عقب نشسته و به پایگاه های شان در کنر و لغمان برگشتند.

کرنیل امام در جریان ایجاد و به قدرت رساندن طالبان به امارت در کنار نصیرالله بابر نقش کلیدی داشت، وی بعد از تصرف هرات به وسیله طالبان و شکست اسماعیل خان، قونسل پاکستان در هرات تعیین شد و بسیاری از فعالیت های غرب کشور زیر نظر او صورت می گرفت. این کرنیل در ۱۹۹۸ قیامی را که مخفیانه علیه طالبان در هرات شکل گرفته بود، کشف و افراد مهم قیام را دستگیر و به دستور او هشت تن آنان را بر درختان ناجو در شهر هرات چیه آویزان کرد.

کرنیل امام در این اواخر با اینکه تقاعد کرده بود، اما همچنان به کار های استخباراتی اش در پاکستان ادامه می داد. او که خواهان حمایت دولت پاکستان از طالبان افغانی و سرکوب طالبان پاکستانی شده بود، گروه های بنیاد گرای پاکستانی را سخت در مقابلش تحریک کرد. وی همچنان از ملا عمر خواسته بود که از جنگ دست بردارد و با دولت افغانستان مصالحه کند. گفته می شود که سفر کرنیل امام به وزیرستان به خاطر تهیه فملی از عملیات طیاره های بی پیلوت بود که دستگیر و اینک بعد از ده ماه اسارت تیر باران شد.

کرنیل امام نام ماندگار در سی سال جنگ و درگیری های افغانستان و یکی از مسببان اصلی و مهم ویرانی کشور ما بود. حال که به حیات جنایتبار این کرنیل پایان داده شد، همان ضرب المثل مشهور عوام که «چاه کن خودش به چاهست» را در خاطر ها زنده می نماید. این کرنیل که خود در پرورش اشکال مختلف بنیاد گرایی در این چند سال نقش مهمی داشت، بالاخره به وسیله همین گروه های بنیاد گرایی دستگیر و بعد از ده ماه تیرباران شد و تقاص خونهای که به دستور او در این سالها در افغانستان ریخته شده بود، را پس داد.

پارلمان گشایش می یابد:

بعد از آنکه در ۲۷ سنبله انتخابات مسخره ولسی جرگه صورت گرفت و کمتر از ۱۵ درصد مردم در آن شرکت کردند، میان کاندیدان برنده و بازنده جنجال های زیادی به راه افتاد و بالاخره لوی څارنوالی این انتخابات را نامشروع اعلان کرد و گفت وکلای برنده از طریق سرای شهزاده و دویی به این ولسی جرگه راه یافته اند و به این خاطر به محکمه شکایت کرد و کرزی نیز محکمه اختصاصی را برای بررسی آن تعیین نمود. کرزی وعده داده بود که به تاریخ ۳ دلو پارلمان را افتتاح می کند، اما بعد محکمه اختصاصی از کرزی یک ماه وقت خواست تا بعد از بررسی و اعلان نتیجه تحقیق پارلمان را افتتاح کند و کرزی آن را قبول کرد و اعلان کرد که این بازگشایی به تاریخ سوم حوت صورت می گیرد. اما فشار های که از سوی نمایندگی سازمان ملل، امریکا و اتحادیه اروپا بر کرزی وارد شد او در ملاقاتی با کاندیدان برنده تصمیم گرفت تا در روز چهارشنبه ۲۶ جنوری این پارلمان را بگشاید. این پارلمان که در آن جمعی از جنایتکاران حضور دارند، شامل ترکیب زیر می باشد:

۱ - ترکیب ولسی جرگه بر اساس تمایلات سیاسی:

الف - گروه طرفدار کرزی:

در مورد گروه های طرفدار کرزی، آنچه که مشخص است، این گروه ها در نتیجه قاطعیت و شفافیت در عملکرد کمیسیون های انتخاباتی و ایستادگی این کمیسیون ها در برابر فشارها و درخواست های غیرقانونی حلقات حکومتی، در این دوره از فعالیت مجلس نمایندگان، خلاف انتظارشان نتوانسته اند حضور قابل توجهی داشته باشند. اما برخی مسائل و گرایشات دیگر وجود دارد که می تواند در مجموع، بر تعداد نمایندگان طرفدار کرزی بیفزاید. یکی از این گرایشات، تمایل حزب اسلامی افغانستان و نمایندگان و هواداران این حزب به حکومت است. البته احتمال این مسأله نیز وجود دارد که گروه هایی از میان چهره های طرف، در موضع گیری های مختلف، موضع جناح کرزی را اختیار کنند و با این جناح هماهنگ شوند؛ به عنوان مثال، گروه های تاجر و سرمایه دار در داخل ولسی جرگه که به نظر می رسد تعدادشان این بار بیش از دوره قبلی است.

ب - گروه به اصطلاح اپوزیسیون:

در مقابل گروه یا گروه های طرفدار کرزی در مجلس به اصطلاح "ولسی جرگه"، حضور اپوزیسیون در این دوره، به لحاظ حضور برخی از افراد شاخص، چشمگیرتر خواهد بود. داکتر عبدالله شورای نظاری، به اصطلاح رهبر ائتلاف تغییر و امید پس از اعلام نتیجه نهائی انتخابات پارلمانی، اعلان کرد که ۹۰ نفر از افراد مرتبط به این ائتلاف به مجلس نمایندگان جدید راه یافته اند. اما تا حال اعلان نکرده که این افراد کیانند و لستی از آنها ارائه نشده است.

در کنار افراد مربوط به این ائتلاف، شاهد افراد دیگر مخالف کرزی، از جمله حفیظ منصور، لطیف پدram، حاجی عبدالظاهر قدیر فرزند حاجی عبدالقدیر، وزیر فوائد عامه کابینه دولت انتقالی که در آن زمان ترور شد، و... هستیم، اما این مسأله به این معنا نیست که این چهره ها، موضع گیری های یکسان دارند، و می توانند یک جریان واحد، هماهنگ و قوی اپوزیسیون را در داخل مجلس به وجود آورند. به این سبب، تردیدهایی در مورد شکل گیری یک اپوزیسیون قوی و جدی در داخل "ولسی جرگه" جدید وجود دارد. در عین حال، با توجه به حضور چهره های

شاخص اپوزیسیون در مجلس دوم، برخی این تحلیل را رد می‌کنند که گویا، اپوزیسیون در این مجلس، اکثریت را در اختیار خواهد داشت.

ت - طیف مستقل:

در کنار دو گروه طرفدار کرزی و اپوزیسیون جبهه متحد شمال سابق، به اساس نتایج نهائی دومین انتخابات "ولسی جرگه"، اکثریت را در "ولسی جرگه" جدید، افراد به اصطلاح مستقل تشکیل می‌دهند و به این صورت اکثر اعضای "ولسی جرگه" جدید، چهره‌های مستقلی هستند که می‌خواهند از چور و چپاول عقب نمانند و هرکدام شان می‌خواهند تا از رسیدن به این "ولسی جرگه" ملیون ها دالر سود ببرند، کاریکه در "ولسی جرگه" گذشته صورت گرفت؛ البته این طیف نیز در میان خود دارای گرایشات مختلف سیاسی و حزبی، قومی، فکری و همچنین اقتصادی می‌باشند و ممکن در جریان موضع‌گیری‌های سیاسی، یکی از دو جناح دیگر را اختیار کنند.

در میان جمع افراد رفته به "ولسی جرگه" ۱۲۱ نفر دارای گرایش‌های سیاسی و تنظیمی خاصی می‌باشند، اما ۱۲۸ نفر دیگر، گرایش حزبی و تنظیمی مشخصی ندارند و این نمایندگان در جمع وکلای مستقل قرار گرفته‌اند که ۵۱ درصد مجموع نمایندگان را به خود اختصاص داده‌اند. اینان افرادی اند که در جریان کار "ولسی جرگه" از هر طرف پول می‌گیرند و خود را هر روز و هرچه قیمت تر به فروش می‌رسانند و در نزد بادران خارجی کریدت می‌گیرند.

گرایشات قومی و ملیتی در به اصطلاح پارلمان جدید:

به لحاظ مرزبندی‌های قومی و ملیتی، تعداد وکلای ملیت هزاره به دلیل اشتراك بیشتر آنها در انتخابات، در این ولسی جرگه افزایش یافته و در مقابل از تعداد وکلای ملیت پشتون، کاسته شده؛ به این اساس، در پارلمان جدید، مسائل ملیتی و زد و خورد در این راستا نسبت به پارلمان گذشته بیشتر مطرح خواهد شد. ترکیب ملیت به قرار زیر است:

الف - پشتون‌ها:

پشتون‌ها در پارلمان جدید دارای ۹۶ وکیل از مجموع ۲۴۹ وکیل می‌باشد که ۳۹ درصد کل اعضای جدید "ولسی جرگه" را تشکیل می‌دهد، در حالی‌که این ملیت در پارلمان گذشته، ۱۰۲ نماینده داشت.

ب - تاجیک‌ها

۲۱ درصد از مجموع نمایندگان ولسی جرگه جدید یعنی برابر با ۵۳ نماینده از ملیت تاجیک هستند. این در حالی است که در پارلمان گذشته، ملیت تاجیک ۵۹ نماینده را در اختیار داشت.

پ - هزاره‌ها:

۲۵ درصد از مجموع نمایندگان "ولسی جرگه" جدید با ۶۱ نماینده، از ملیت هزاره است. این در حالی است که ملیت هزاره در پارلمان گذشته ۴۳ نماینده داشت. هزاره ها تمام کرسی‌های ولایت غزنی را به دست آوردند و یکی از جنجال ها هم بر سر این ولایت بود، زیرا پشتون ها که نیم این ولایت را می سازند یک نماینده هم در "ولسی جرگه" روان نکردند.

ت - ازبک‌ها:

ملیت از يك در تركيب نمايندگان جديد "ولسی جرگه"، دارای ۱۵ وکیل است که ۶ درصد مجموع نمايندگان را تشكيل می‌دهد.

ث- ايماق‌ها:

بعد از ملیت از يك، ملیت ايماق با ۳ درصد مجموع وکلا و با ۸ نماينده در تركيب "ولسی جرگه" جديد حضور دارد.

ج - عرب‌ها:

۳ درصد از مجموع وکلا در تركيب اعضای جديد "ولسی جرگه"، از ملیت عرب می‌باشد. این ملیت دارای ۸ نماينده در "مجلس ولسی" جرگه جديد است.

چ - ترکمن‌ها:

ملیت ترکمن با ۳ وکیل در فهرست نهائی ولسی جرگه جديد، ۱ درصد از مجموع وکلای ولسی جرگه را به خود اختصاص داده است.

ح - نورستانی‌ها:

ملیت نورستانی ۲ نماينده در "ولسی جرگه" جديد دارد که هر دوی آن‌ها مربوط به ولایت نورستان می‌باشد.

خ - بلوچ‌ها:

ملیت بلوچ صرف يك نماينده در تركيب پارلمان جديد دارد که از ولایت نیمروز است.

د - پشه‌ای‌ها:

ملیت پشه‌ای نیز صرف يك نماينده در تركيب پارلمان جديد دارد که از ولایت ننگرهار است.

ذ - ترک‌ها:

ملیت ترک تنها يك نماينده در تركيب ولسی جرگه جديد دارد که از ولایت بادغیس است.

۲ - تفکیک اعضای "ولسی جرگه" به اساس گرایشات تنظیمی:

الف - حزب اسلامی

حزب اسلامی گلبدین که از جنایتکار ترین احزاب جهادی است و اکنون بخش رسمی آن به ریاست عبدالهادی ارغندیوال در وزارت عدلیه ثبت شده، در مجموع با ۴۱ نماينده، ۱۶ درصد ولسی جرگه را می‌سازند که شامل ۲۴ نماينده عضو حزب اسلامی و ۱۷ نماينده متمایل به این حزب می‌باشد.

ب - جمعیت اسلامی

به دنبال حزب اسلامی، تنظیم جمعیت اسلامی، بیشترین نماينده، هوادار و وکلای با سابقه این حزب را به خود اختصاص داده است که ۱۴ تن از اعضای این حزب، ۱۳ تن از متمایلین به جمعیت و ۸ نماينده با سابقه جمعیت اسلامی در میان نمايندگان دومین "ولسی جرگه" دیده می‌شود که ۱۴ درصد کل نمايندگان را تشكيل می‌دهند.

ج - حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان:

بیشترین نماينده را در تركيب مجلس دوم به خود اختصاص داده، حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان به رهبری حاجی محمد محقق و از احزاب جنایتکار شیعه است که توانسته ۸ نماينده از هواداران خود را به شمول رئیس این حزب، وارد مجلس نمايندگان کند و ۳ درصد از کل نمايندگان را به خود اختصاص دهد.

ج - حزب وحدت اسلامی: پس از حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری کریم خلیلی، معاون دوم رئیس‌جمهور، صرف توانسته ۵ نماینده را به مجلس نمایندگان بفرستد و ۲ درصد از کل اعضای مجلس را به خود اختصاص دهد.

ح - حزب پیوند ملی افغانستان: به رهبری سید منصور نادری نیز ۴ نماینده در مجلس جدید دارند که ۳ تن آن از خانواده نادری به شمول سید منصور نادری است و فرد چهارم نیز از مریدان سید منصور نادری و اسماعیلیه است که از کابل به "ولسی جرگه" راه یافته است.

خ - خلق و پرچم: این دو جریان مزدور در کل ۴ نماینده در مجلس دارند. البته جنایتکاران اصلی این دو جناح سید محمد گلاب‌زوی، کبیر رنجبر و نورالحق علومی، نتوانسته‌اند به مجلس راه پیدا کنند. رنجبر به عنوان بی شخصیت ترین فرد این جریان که پیوسته از معیار شریعت بحث می کند، هر روزه با چند تن دیگر در جاده های شهر کابل دست به تظاهرات می زنند که جز با تمسخر مردم به چیزی رو به رو نشده اند.

د - حزب جنبش اسلامی افغانستان: این تنظیم به رهبری دوستم نیز صرف توانسته ۴ نماینده به مجلس بفرستد. در حالیکه اکنون خود دوستم گم است و در ترکیه به عیاشی مصروف است. چون حال گرایش‌های اسلامی که در ترکیه آمده، این جنایتکار بی آبرو را در آنجا نگهداشته و فردی به نام سید نورالله سادات در رأس این تنظیم قرار دارد و کار های مهم آن را پرچمی ها به پیش میبرند.

ذ - حزب افغان ملت: این حزب که در این دوره از انتخابات پارلمانی، شکست سختی خورده، يك نامزد مشخص و ۲ نامزد متمایل به خود را در ترکیب پارلمان جدید با خود دارد. زیرا در درون این حزب میان جیلانی پوپل که یکی از جاسوسان انگلیسی و احدی که از جاسوسان امریکائی – آلمانی است اختلافات سختی به میان آمد و نتوانست در این "ولسی جرگه" متحداً عمل کنند و این بار سخت باختند. در مورد باقی احزاب نیز باید گفت که صرف رئیس و مؤسس و یا يك عضو از این احزاب نتوانسته‌اند به مجلس راه پیدا کنند.

این بود ترکیب سیاسی، ملیتی و تنظیمی "ولسی جرگه" جدید که بیش از ۵۰ در صد اعضای آن را شرفراختگان تنظیمی و جنگسالار تشکیل می دهند.

ایران تانکر ها را اجازه داد:

ایران که سالها بر سر مناسبات جاسوسی با برخی از اعضای دولت و گروه های مزدور سابقه کار می کند، با بستن راه تانکر های تیل به افغانستان یکباره خشم مردم افغانستان را برانگیخت و رسانه های ضد ایران روزانه دهها مقاله نوشتند و چندین تظاهرات در کابل و هرات به وقوع پیوست و صد ها مصاحبه نفرت انگیز نسبت به ایران صورت گرفت. چنانچه حکام ایرانی دست پاچه شده ، سفارت ایران در کابل هرچه تلاش کرد تا جلو این قضیه را بگیرد اما ممکن نشد، تا اینکه بالاخره راهی جز رهائی این تانکر ها برایش نماند و به این خاطر به تاریخ ۲۴ جنوری ۱۵۰۰ تانکر تیل را اجازه داد تا از مرز های ایران با افغانستان داخل افغانستان شود و با این اجازه نرخ تیل در افغانستان ۵ افغانی کاهش یافت.